فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، پیاپی ۹
صفحات ۸۱-۶۳

دگرگونی اقتصاد کشاورزی و شکل‌گیری پدیده روستانشینی شهری و روستاگرایی
مورد: روستاهای شهرستان رباط کریم

مجتبی قدیری‌معصوم، استاد گروه جغرافیای انسانی و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
محمد سلمانی، استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
سیدعلی بدری، دانشیار گروه جغرافیای انسانی و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
حسنعلی فرجی‌سبکبار، دانشیارگروه جغرافیای انسانی و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.
علی قنبری‌نسب*، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۴ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۲۵

چکیده
تحولات در زمینه اقتصاد کشاورزی و شکل‌گیری پدیده روستانشینی شهری در پیرامون کلانشهرها به‌عنوان فضای دوگانه (نه شهر- نه روستا) و تلفیقی از نشانه‌های زندگی شهری و روستایی، چالش‌ها و مشکلات متعددی به‌دنبال داشته است. اولین گام در راستای حل معضل یاد شده، شناسایی و طبقه‌بندی ساختار مناطق روستایی و تعیین درجه روستاگرایی و سپس روستانشینی شهری است. هدف اصلی این پژوهش، در گام نخست توصیف و تبیین ساختار روستایی شهرستان رباط کریم، به منظور شناخت سکونتگاه‌هایی که پدیده روستانشینی شهری در آن‌ها رخ داده و سپس تبیین علل شکل‌گیری آن می‌باشد. این پژوهش توصیفی و تحلیلی در سه مرحله کلی شامل رتبه‌بندی توسعه کشاورزی، تعیین درجه روستاگرایی، مشاهده میدانی و طبقه‌بندی سکونتگاه‌ها به دو بخش روستاگرا و روستانشینی شهری و استخراج عوامل مؤثر در شکل‌گیری پدیده روستانشینی شهری انجام شده است. تکنیک‌های بکار گرفته شده در این پژوهش شامل پرومتی، خوشه‌بندی سلسله مراتبی، مدل روستاگرایی کلاک و نظریه بنیانی ساده شده می‌باشد. نتایج بیانگر این است که پدیده روستانشینی شهری در روستاهای آلارد، شترخوار، سفیدار، کیگاور، پرندک، منجیل‌آباد، انجم‌آباد و ادران رخ داده و مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری این پدیده، ابعاد کالبدی فضایی، اجتماعی –فرهنگی، اقتصادی و قانونی، برنامه‌ریزی و نهادی بوده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد کشاورزی، اقتصاد روستایی، روستاگرایی، روستانشینی شهری، شهرستان رباط کریم.

*تماس: ۰۹۱۲۸۳۸۹۰۸۲ Email: alighanbari2454@gmail.com

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

۱) مقدمه

در علم جغرافیا، یک ناحیه تنها یک سیستم کارکردی از سکونتگاه‌های گوناگون و یک نظام پراکنده و بی-ارتباط نیست، بلکه شبکه‌های بهم پیوسته از روابط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی است که از طریق روابط بین نقاط روستایی و شبکه شهری درون آن شکل می‌گیرد. همه پدیده‌های جغرافیایی اعم از طبیعی – اکولوژیک و انسانی جزئی از نظام‌ها هستند و نظام‌وار عمل می‌کنند (سعیدی،۱۳۹۱: ۴). شهرها و روستاها به عنوان مراکز اصلی تجمع انسان‌ها و شکل دهنده‌ی اصلی بنیان‌های جغرافیایی یک ناحیه، دارای روابط خاص با تکیه بر ویژگی‌های اقتصادی – اجتماعی و فضایی با یکدیگر هستند. این کانون‌های سکونتگاهی که در گذر تاریخ و به تبعیت از شرایط مکانی و زمانی آن ناحیه، شاهد دگرگونی‌های اساسی در ساختار و کارکرد خود بوده‌اند، به دنبال تغییر در فضای محیطی این گونه جوامع، روابط، پیوندها و نوع مناسبات میان این دو عرصه جمعیتی نیز دست خوش تحولات بنیادین گردیده است (ضیاءتوانا و شمس‌الدینی،۱۳۸۹: ۴۷). به عبارت دیگر، وجود انواعی از روابط و پیوند فضایی میان شهر و روستا در کشورهای مختلف به ویژه در جوامع در حال توسعه با ظرایف و دامنه حداکثری و حداقلی از جریانات فی مابین، موید نقش و جایگاه این‌گونه ارتباطات متقابل در نظم‌دهی به فضاهای جغرافیایی نواحی مختلف است (شمس‌الدینی و همکاران،۱۳۹۰: ۸۰). روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از زمان بسط روابط سرمایه‌داری در کشور و به طور خاص طی چند دهه‌ی اخیر و تنوع بستر جغرافیایی سرزمین در کنار هم به شکل‌گیری فرم خاصی از نظام فضایی استقرار سکونتگاه‌های انسانی منجر شده است. عدم تعادل‌های بین منطقه‌ای در سطح کشور و درون منطقه‌ای در مناطق مختلف، سبب عدم تعادل‌های جمعیتی بین سکونتگاه‌های روستایی و شهری و در نتیجه رشد شتابان شهرهای بزرگ از یک سو و محدودیت روز افزون نقاط پراکنده روستایی از سوی دیگر شده است (علی‌آبادی،۱۳۸۸: ۴۶؛ خراسانی،۱۳۹۱: ۲۱)؛ به گونه‌ای که فضای سنتی با قانونمندی‌ها، نظام‌های جریانی و کنش درونی / بیرونی خود، به فضایی قطبی، چندپارچه و نامتعادل با قانونمندی‌ها و نظام‌های جریانی خاص خود بدل گشته است. در این گذار تاریخی، علاوه بر دگرگونی چهره‌پردازهای فضا (نظیر کاربری اراضی، تراکم‌های انسانی، تحول در شدت و جهت جریانات متقابل کانون‌ها)، نظام‌های سکونتی نیز دست خوش تحول و تغییر شده‌اند (رفیعیان،۱۳۷۵: ۵). بدین ترتیب، مطالعه و برنامه‌ریزی در مورد میان‌کنش شهر و روستا در محیط پیرامون یا منطقه‌ی شهری کلانشهرهای بزرگ و یا به بیانی دیگر، برخوردگاه پیراشهری و یا برخوردگاه شهر- روستا و مشکلات و فرصت‌های ناشی از چنین رویارویی، به صورت دستور کار مهم بسیاری از کشورهای جهان و به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته‌ای که با پیشروی شهرها به سوی نواحی پیرامون و با شکل‌گیری و دگرگونی پیوسته‌ی منطقه‌های شهری، دربرگیرنده‌ی دو شکل متفاوت سازمان‌یابی فضایی (یعنی شهر و

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

روستا) مواجه هستند، درآمده است (دانشپور،۱۳۸۵). در همین راستا، مناطق روستایی کشور طی سه دهه اخیر شاهد تغییرات و بازسازی‌های اقتصادی و اجتماعی متنوعی بوده است. در اثر افزایش تحرکات و جابجایی افراد و پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و همچنین بهبود تسهیلات خدماتی روستاها و شهرها، این فضاهای جغرافیایی یکپارچگی کارکردی بیشتری پیدا کرده‌اند؛ نتیجه گسترش عملکردهای شهری همچون خانه‌سازی انبوه، ساخت و تولید، خدمات، تفریحات و گردشگری در روستاها و بالعکس شده است. بدین ترتیب، با چنین تغییر کارکردی نواحی روستایی ماهیت ذاتی اولیه خود که بیشتر تولیدات کشاورزی بوده را از دست داده و به فضایی برای مصرف‌گرایی تبدیل شده است. این نواحی، ناهمگونی زیادی داشته که متأثر از عوامل گوناگونی است؛ این تنوع گاه ناشی از شرایط طبیعی مانند مختصات جغرافیایی، انزوای جغرافیایی، شرایط جغرافیایی، تفاوت‌های آب و هوایی و گاه ناشی از شرایط انسانی مانند رواج الگوها و شیوه‌های زندگی شهری است که به نوبه خود بر تنوع و تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای کشور تأثیر گذاشته است. با وجود این چنین تنوع و ناهمگونی در مناطق روستایی کشور، تاکنون الگوی واحدی برای برنامه‌ریزی و مدیریت این مناطق به صورت‌های گوناگون اعمال شده که این وضع باعث نارسایی و ناکارآمدی برنامه‌های توسعه گردیده است؛ چرا که مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی نه بر اساس نیازها، استعدادها و توانمندی‌های روستاها، بلکه با نوعی یکسان‌نگری در نیازها و توانایی‌های بالقوه و بالفعل طراحی و اجرا شده است (رضوانی و همکاران،۱۳۹۰: ۳). تحت تأثیر چنین فرآیندی، پدیده روستانشینی شهری پیرامون مناطق کلانشهری شکل گرفته‌اند.

توجه دقیق و علمی به این حوزه جدید که به حوزه حاشیه شهری و ناحیه روستایی - شهری موسوم شده، در مطالعات جغرافیایی امری مهم و الزامی است؛ زیرا محیط‌های روستایی، شهری و حاشیه شهری نه تنها به عنوان اجزای مختلف یک نظام یکپارچه فضایی عمل می‌کنند، بلکه الزاماً توسعه هر سه عرصه اجزای هم‌پیوند، در یک فرایند یگانه برنامه‌ریزی به شمار می‌رود. در وضعیت موجود تفکیک و پردازش منفصل و جداگانه به برنامه‌ریزی روستایی، شهری و محیط‌های نه شهری- نه روستایی توسط متولیان و دستگاه‌هایی که کم‌ترین ارتباط ارگانیک را با یکدیگر دارند، موجب شده است تا اقدامات و دخالت‌های اجرایی در یک عرصه، موجد پیامدهای اغلب منفی در عرصه دیگر شود (سعیدی،۱۳۸۴: ۷۱-۹۰). در همین راستا، گسترش روزافزون روستانشینی شهری در حریم کلانشهر تهران نیز مشکلات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی و فضایی – کالبدی عدیده‌ای به دنبال داشته که عدم شناخت ریشه و سرمنشأ اصلی آن موجب می‌گردد تا سایر نقاط روستایی نیز به این معضلات دچار شوند. این مسئله بیانگر آن است که روند گسترش روستانشینی شهری بدون شناخت سرچشمه‌ها و همچنین فرایند تغییرات آن‌ها صورت پذیرفته و یا به عبارتی، الگوی

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

گسترش آن‌ها نامشخص است. پس ضرورت دارد تا به شناخت، تبیین و کشف قانونمندی‌های کلی حاکم بر روابط و مناسبات و الگوهای روستانشینی شهری به‌عنوان پدیده‌ای فضایی – مکانی و موضوعی جغرافیایی پرداخت. گام نخست در این زمینه شناخت و سنجش درجه روستاگرایی و روستانشینی شهری است. در این پژوهش روستاهای شهرستان رباط کریم که در حریم کلانشهر تهران قرار دارد، به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شده است تا علاوه بر تعیین میزان روستاگرایی، روستاهایی که به سمت پدیده روستانشینی شهری گرایش داشته‌اند را مشخص و سپس عوامل مؤثر در رخداد آن را نیز مشخص نماید.

۲) مبانی نظری

مفهوم روستانشینی شهری، ترکیب یافته از دو واژه روستایی و شهری، به معنای عرصه‌هایی که بیشتر در حاشیه شهرها پدید می‌آیند و به صورت *نه شهر- نه روستا*، تلفیقی از نشانه‌های زندگی شهری و روستایی دارد. سابقه این مفهوم را باید در کاربرد اصطلاح حاشیه شهری که نخستین بار جغرافیدانان آمریکایی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی مطرح ساختند، جستجو کرد. مفهوم اخیر در آغاز به معنای عرصه‌ای بکار می‌رفت که در آن رشد و گسترش حومه شهری تحقق می‌یافت و کاربری‌های روستایی زمین به صورتی بینابینی و مخلوط مشاهده می‌شد؛ بر این اساس، حاشیه شهری جایی بود که عرصه در حال گذار بین شهر و روستا به‌شمار می‌آمد. در آن زمان، رویکردهای مورفولوژیک (ریخت‌شناختی) و کارکردگرا بر این‌گونه بررسی-ها غلبه داشتند که اساساً بر تحلیل جنبه‌هایی نظیر تراکم، ریخت‌شناسی و تحول کاربری‌های زمین در قالب الگوهای برآمده از اثرگذاری‌های شهری استوار بودند. بر همین مبنا، مفهوم روستا- شهری یا روستایی- شهری وضع و پیشنهاد شد. در دهه ۱۹۷۰ میلادی، از نو مباحث نظری و ادارکی پردامنه‌ای درباره این‌گونه مفاهیم درگرفت و اصطلاحات تازه‌ای مطرح شد: بعضی به تبیین تفاوت‌های موجود بین حاشیه شهر و حومه پرداختند؛ برخی دیگر فراتر رفته و اصطلاحاتی همچون شبه حومه[1]، اقمارشهری[2]، شبه اقمار[3]، حاشیه درون درون شهری[4]، حاشیه برون شهری[5] را مطرح ساختند. بعضی دیگر کوشیدند میان حاشیه شهر و حاشیه روستایی – شهری تفاوت قایل شوند و بالاخره برخی حتی برای تبیین تفاوت در قلمروهای پیرامونی شهرها مفهوم نواحی روستایی غیرزراعی و یا نواحی روستایی زراعی را پیشنهاد داشتند. سرشت اصلی عرصه‌های

[1] pseudo-Suburb
[2] satellites
[3] pseudo- satellites
[4] Inner Urban Fringe
[5] Outer Urban Fringe

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

روستایی- شهری را می‌توان در دو نکته ظاهراً متضاد، اما هم‌پیوند خلاصه نمود: اول، فقدان ارزش‌ها و تسهیلات شهری همچون کمبود زیرساخت‌های مناسب، خدمات، مقررات و مانند آن؛ و دوم، ارزش‌ها و معیارهای رو به افول روستایی نظیر قیمت‌های بالای زمین، کمبود خاک حاصلخیز، همیاری و تجانس اجتماعی. ساکنان این گونه عرصه‌ها دو نوع تعلق فضایی دارند: از یکسو تعلق به فضاهای روستایی و از سوی دیگر، تعلق به فضاهای شهری و این واقعیت، شیوه زندگی و خرده فرهنگ ویژه و دوگانه‌ای را مطرح می‌سازد که برای این مردمان با مصائب متعددی از جمله فقر و بیکاری، همراه است. روند رو به رشد مهاجرت‌های روستایی- شهری پدیده‌ای است که تقریباً در تمام کشورهای در حال توسعه قابل مشاهده است؛ این پدیده از روندی جهانی و بازگشت‌ناپذیر تبعیت می‌کند. در بحث از توسعه و شهرگرایی، به طور سنتی، از مباحثی دوسویه نظیر شهری- روستایی، سنتی- مدرن، رسمی- غیررسمی و مانند آن سخن به میان می‌آید؛ در واقع، بحث بر سر مفاهیمی این چنین و تفاوت‌گذاری صرف میان قلمروهای شهری و روستایی برای شناسایی و تفکیک اجتماع و چشم‌انداز روستایی- شهری (و نیز روستاهای مجاور شهرها)، به‌مثابه محیط‌های مرزی یا گذار، نمی‌تواند مناسب، کافی و در حل و تعدیل نارسائی‌های مبتلا به این گونه عرصه‌ها کارآمد باشد (سعیدی و همکاران،۱۳۸۷: ۴۰۱-۴۰۲). در حوزه الگوی سکونت، همچنان تمرکز بر الگوی دو گانه شهر یا روستا است؛ درحالی که مرزهای تمایز میان این دو الگو نیز به شدت کمرنگ شده است یا از بین رفته است. در شرایط کنونی، بسیاری از ویژگی‌های نسبت داده شده به جوامع شهری و روستایی ممکن است مصداق خود را از دست داده باشند؛ همچنان که در مورد جمعیت و اشتغال تا حدود زیادی این تمایز کاهش یافته است، در مورد سایر ویژگی‌های اجتماعی همچون تجانس، تحرک اجتماعی و روابط متقابل، تمایزات بین جامعه روستایی و جامعه شهری به دلیل نفوذ و گسترش بی‌رویه شهرنشینی و فرهنگ شهری کمتر شده است. کمبودها و نبود برخورداری‌ها از امکانات و خدمات در مقایسه با نقاط شهری در حال کاهش است و رفتار و روحیه‌ی روستاییان نیز شهری می‌شود. علاوه بر این، چالش‌هایی چون فقدان فرصت‌های شغلی، عدم وجود سازوکارهای مناسب مشارکتی، مشخص نبودن وظایف دستگاه‌های متولی توسعه و عمران روستایی و نابرابری میان شهر و روستا مورد شناسایی قرار گرفته است (پورطاهری و نعمتی،۱۳۹۱: ۱۱۴). در مورد روستاهای ایران، به‌ویژه در سال-های اخیر با توسعه خدمات‌رسانی به روستاها و برخورداری نقاط روستایی از بیشتر امکانات و خدمات رفاهی و بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم نیز مصداق دارد. دوگانگی بین شهر با حومه شهر، شهر با روستا و انسان با طبیعت در حال کمرنگ شدن هستند؛ اما این دوگانگی در ذهن بسیاری طنین انداز است. در صورتی که درخواست شود مرزهایی مشخص بین شهر و روستا یا بین انسان و جهان طبیعت ترسیم کنند، مشکل این مفاهیم روشن می‌شود (بون و مدرس،۱۳۹۲: ۶). تاکنون در اغلب مطالعات، سکونتگاه‌های انسانی به دو دسته

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

شهری و روستایی طبقه بندی شده‌اند. بر اساس رویکرد سرزمینی و همچنین رویکرد پیوستار شهری – روستایی، سکونتگاه‌های موجود در یک پهنه و قلمرو ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارد و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کرد، بلکه طیفی از سکونتگاه‌ها که در دو سوی آن جوامع کاملاً شهری و کاملاً روستایی قرار می‌گیرند، وجود دارد. در این صورت در دو سوی طیف که درجه روستایی یا شهری بالاتر یا پایین‌تر را نشان دهد، می‌تواند معیار مناسبی برای طبقه‌بندی سکونتگاه‌های باشد (جمعه‌پور،۱۳۸۴: ۶۳). از سوی دیگر تفکیک بین شهرگرایی و روستاگرایی، اساس سازماندهی زمان و فضا و تحقیقات در بخش‌های مختلف است. محققان در علوم اجتماعی و طبیعی این مفاهیم تئوریکی را برای شفاف‌سازی پیچیدگی زندگی انسان‌ها در اکوسیستم شهری و روستایی بکار می‌گیرند (Simmons et al, 2002:5-6).

در قرن بیستم میلادی، جستجو برای تعریف مناسب از شهر و روستا و فهم این دو موضوع شکل گرفت (Wirth,1938; Halfacree,1993). این سابقه طولانی را می‌توان به این واقعیت که تعاریف شهر و روستا و ترسیم یک خط بین آن‌ها چیزی بیشتر از یک موضوع علمی است، نسبت داد. این مباحث به طور گسترده‌ای در مستندات قانونی و سیاسی که با توسعه اجتماعی و فضایی، حفاظت محیطی، روش‌های ارتقای توسعه کشاورزی و خدمات عمومی و غیره سرو کار دارند، مورد توجه قرار گرفته است. این موضوعات همچنین در ارتباطات روزمره، رسانه‌های جمعی و هنر بکار گرفته می‌شود. برخی از محققان به دنبال سنجه‌های آماری جهت تعریف ایده‌آل برای مکان شهرها هستند و برخی دیگر نیز به دنبال منشأ تاریخی و یا اشکال اولیه نواحی جمعیت‌پذیر هستند تا معنای واقعی و ریشه دقیق معنایی آن را شناسایی کنند. به نظر، ارایه تعریف از شهر که مورد تأیید جامعه جهانی باشد، کاری عبث و بیهوده است؛ زیرا شهرها از نظر ویژگی‌ها و کثرت دارای سبک‌های زندگی متفاوت هستند (Kule,2008:9-10). هر چند که تعیین شیب روستا – شهری به طور گسترده‌ای در مطالعات اثرات شهرنشینی بر روی سیستم‌های زیست محیطی و فرآیندها در چشم‌اندازها و عناصر آن، گونه‌ها و رفتار آن‌ها، محیط و سطح آلودگی بکار گرفته شده است (McDonnell and Pickett,1990; Hahs and McDonnell,2006:435)، محققان و نویسندگان سیاسی اکوسیستم‌های تغییریافته توسط انسان را ساده‌سازی و تا حد شهر در مقابل روستا پایین آورده‌اند (Theobald,2004). بنابراین ما می‌توانیم ماهیت این مفاهیم را منحصراً از دیدگاه دانش بشری و اینکه آن را چگونه ارایه کرده، درک کرده و باز ارایه نماییم (Harrison and Burgess,1994). شهرنشینی و روستاگرایی مدل‌های ایده‌ئال و انتزاعی یا ساده‌سازی از جهان واقعی است. این مدل‌ها بر این فرض استوار است که تفاوت‌های اساسی بین افرادی که در شهرها یا شهرستان‌ها زندگی می‌کنند و کسانی که در حومه شهر یا مناطق پر جمعیت زندگی می‌کنند، وجود دارد. این فرضیه‌ی کلیشه‌ای به طور گسترده‌ای توسط محققان و سازمان‌های دولتی در

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

سرتاسر جهان استفاده می‌شود. ایده‌های کلیشه‌ای درباره نواحی شهری و روستایی چندبعدی بوده و شامل مطالبی در مورد محیط فیزیکی، سطح ساخت، دسترسی، منابع، طبیعت، دامنه و هزینه فعالیت‌های اقتصادی، استقلال و حاکمیت، نوآوری، کیفیت زندگی، ارتباط بین افراد، ارزش‌ها و فرصت‌ها؛ می‌باشد (Hugo et al., 2003; Brown and Cromartie, 2004; Tilt et al., 2007). به طور کلی واژه روستا اغلب در محافل سیاسی، مجامع علمی و عرصه‌های عمومی برای توصیف مردم، مکان‌ها، سنت‌ها و فضاها بکار گرفته می‌شود و یا اغلب به عنوان عرصه‌ی مطالعه و یا موضوع مورد مطالعه بکار گرفته شده است. در جدول شماره ۲ نیز برخی از تفاوت‌های بین شهر و روستا که در برخی موارد، اساس شناخت روستاها می‌شود، نشان داده شده است. این حرکت با نگاهی به سیاست‌های مرتبط در حال توسعه برای نواحی روستایی صورت می‌پذیرد (Leon, 2005; Gulumser et al, 2007). به رغم توسعه شاخص‌های مختلف و تعاریف متنوع دانشمندان، مطالعات در مقیاس کلان عمدتاً از تعاریفی که سازمان‌های آماری ارایه می‌دهند، استفاده می‌کنند(Banski,2006). در کشور ایران نیز مبنای اولیه تعریف شهر و روستا معیارهای جمعیتی است. با این وجود هیچی توافق کلی در این ارتباط که روستا چه باید تعریف شود، وجود ندارد. در حقیقت ارایه تعریف واحد دست نیافتنی بوده، زیرا ترکیبی از رشته‌های جغرافیا، اقتصاد و جامعه شناسی است (Mountrakis et al,2005). مفهوم روستاگرایی از جمله موضوع بحث‌های طولانی و بحث برانگیز بوده است. همان‌طور که در برنامه‌ریزی فضایی اروپا (۱۹۹۹) اشاره شده است، ایجاد یک تعریف صریح و مشخص از روستاگرایی غیرممکن به نظر می‌رسد؛ چراکه، نه تنها یک روش‌شناسی واحد وجود ندارد، بلکه تعریفی واحد از عناصری که روستاها را تشکیل می‌دهد، نیز وجود ندارد. برخلاف مفهوم‌سازی‌های متنوع، به طور کلی نواحی روستایی به مثابه نواحی با جمعیت کم و یا نواحی با تولیدات کشاورزی تعریف شده است. هر چند که این تعریف نمی‌تواند واقعیت‌های پیچیده امروزی را توصیف نماید(Gulumser and et al, 2007)، با این وجود از نظر ولف و فیشر[1]، جمعیت از علایم اولیه مناطق روستایی است. به نظر آن‌ها جمعیت به عنوان علامت اولیه شناخت روستاها، باید بتواند الگوهای متمایز دانش، باور، تجربه، مهارت‌ها، جهت‌گیری ارزش‌ها و آداب و رسوم را نیز به نمایش بگذارد (Wolfe and Fischer, 2003). با این حال بسیاری از نویسندگان بر این موضوع که درک مفهوم روستا شامل ابعاد زیست-محیطی، حرفه‌ای یا اجتماعی – فرهنگی می‌شود، توافق دارند (Gulumser and et al., 2007). بر اساس آنچه که در فوق اشاره گردید، محققان و پژوهشگران طبقه‌بندی‌های مختلفی از انواع عرصه‌های شهری و روستایی ارایه نموده‌اند. وندرپلاگ[2] عرصه‌های روستایی را به شش گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌کند:

[1] Wolfe and Fischer
[2] Van der Ploeg

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

- نواحی پیرامونی: این نواحی کشاورزی در گذشته اهمیت اولیه داشته اما امروزه نقش چندانی ایفا نمی‌کند. در برخی از نواحی به دلیل از بین رفتن کامل کشاورزی، موجب تخلیه جمعیت و محرومیت شده است؛
- نواحی روستایی جدید: که در این نواحی کشاورزی در راستای چندعملکردی شدن در حال توسعه است و به طور فزاینده‌ای با اقتصاد و اجتماع منطقه‌ای درهم‌تنیده شده و در نتیجه به کیفیت منطقه‌ای، کمک می‌کند؛
- منطقه تقسیم شده: در این منطقه بخش‌های تخصصی همانند گردشگری، انبوه‌سازی در حال ظهور است. در این منطقه طیف وسیعی از کالا و خدمات ارایه می‌شود؛
- مناطق تخصصی کشاورزی که با سایر بخش‌های اقتصاد ارتباط ضعیفی دارند؛
- حومه‌های جدید: که در آن کشاورزی پراکنده و روبه کاهش است و الگوهای سکونتی جدید در حال ظهور است. این منطقه ارتباطات مهمی با اقتصاد شهری دارد؛
- سرزمین رویاها: این منطقه خارج از طبقه‌بندی شفاف و مرسوم است. از خصوصیات این پهنه می‌توان گفت که در تابستان یک مکان پر جنب و جوش، پر از فعالیت و لوکس و در زمستان رها شده، خالی و متروک است. این منطقه می‌تواند با طبقه‌بندی که در فوق تشریح گردید، همپوشانی داشته باشد؛

علامت جهت (←) در شکل شماره ۱ بیانگر مسیر تغییر می‌باشد. برای مثال در صورت پیشرفت نواحی پیرامونی امکان دارد به حومه جدید، مناطق روستایی جدید و یا مناطق تخصصی کشاورزی تبدیل شود و یا مناطق تخصصی کشاورزی در صورت پس‌رفت به نواحی پیرامونی تبدیل می‌شود.

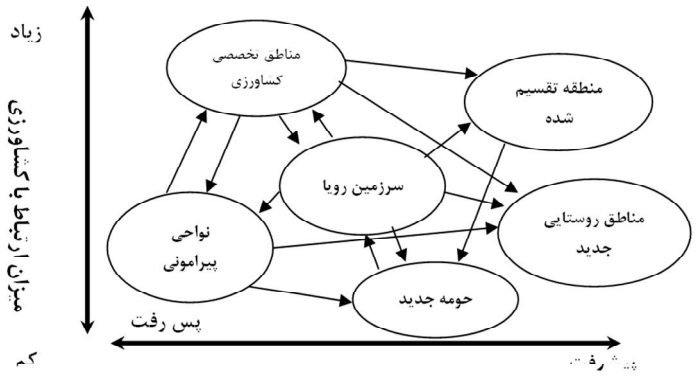

شکل شماره (۱): گونه‌شناسی مقدماتی مناطق روستایی

منبع: Van der Ploeg et al., 2008:6

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

کیُل با اشاره به دو عرصه کلی طبیعت و منطقه توسعه یافته شهری، عناصر روستایی و شهری را بـر اسـاس چشم‌انداز عملکردی مشخص می‌نماید. در این دو عرصـه، سـه بخـش روسـتاهای پیرامـونی، منطقـه پیرامـون شهری و شهر مرکزی وجود دارد. وی در طبقه‌بندی خود مفاهیمی چون لبه شـهرها، سـایه عملکـردی شـهر، حاشیه شهری – روستایی و سکونتگاه‌های صرفاً روستایی با عملکرد خاص کشـاورزی را معرفـی مـی‌نمایـد. در شکل شماره ۲ محل استقرار این عناصر در قالب چشم‌انداز عملکـردی شـهر و روسـتا نشـان داده شـده اسـت. کلاک در سال ۱۹۷۹ در مدل پیوستار شهری - روستایی بیان می‌کنـد کـه بـا افـزایش فاصـله از مرکـز شـهر، کاربری اراضی نیز تغییر می‌یابد. در این مدل نیز طیفی از روستاها شامل گونه‌هـای روسـتایی در حـال کـاهش تا روستاهای حومه‌ای و روستاهایی که پذیرای سریز جمعیت شهر هستند، وجود دارد. در شکل شـماره ۳ ایـن مسئله به صورت شماتیک نشان داده شده است.

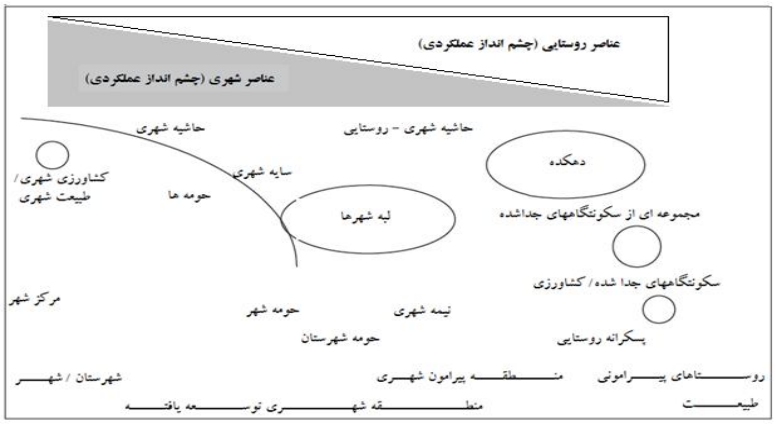

شکل شماره(۲): عناصر شهر و روستا و مفاهیم فضایی

منبع:Kule,2008:9

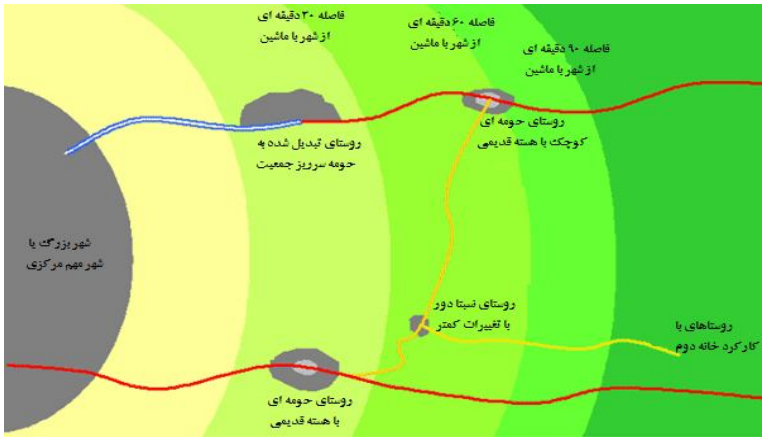

شکل شماره(۳): مدل پیوستار شهری –روستایی کلاک

منبع: Cloke, 1979

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت و اهداف توصیفی و تحلیلی است. بر اساس آنچه که در مبانی نظری پژوهش بیان گردید، روش‌ها و شاخص‌های مختلفی جهت طبقه‌بندی و شناسایی گونه‌های مختلف روستاها و روستاگرایی وجود دارد. این پژوهش بر دو بعد کلی چشم‌انداز کارکردی روستاها و جمعیت و رشد آن‌ها طی دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ تمرکز داشته است؛ بدین صورت که، در ابتدا با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه پرومتی وضعیت کارکردی روستاها با تأکید بر فعالیت‌های کشاورزی مشخص و سپس با بکارگیری روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی، روستاها دسته‌بندی و با استفاده از شاخص‌های روستاگرایی کلاک و بررسی‌های میدانی، گونه‌ی روستاها تعیین شده است؛ سپس در سکونتگاه‌هایی که پدیده روستانشینی شهری رخ داده، روش کیفی نظریه بنیانی یا گراندد تئوری جهت شناسایی عوامل پیاده گردید. به منظور دستیابی به عوامل یا به عبارتی شرایط علی در شکل‌گیری و گسترش پدیده روستانشینی شهری در سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه، در گام اول با طرح مسئله و انجام مصاحبه‌های متعدد (۳۱ مصاحبه)، مباحث گفتاری مطرح شده در این مصاحبه‌ها پیاده‌سازی گردید. در گام دوم، با توجه به روش-شناسی نظریه بنیانی فرآیند کدگذاری باز انجام شده است. در این مرحله داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه که داده‌های خام هستند، با بررسی دقیق نام‌گذاری و مقوله‌بندی می‌شوند. محصول نام‌گذاری، "مفاهیم" هستند که عناصر سازنده نظریه بنیانی هستند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۱). منظور از مفهوم-پردازی این است که از مورد مشاهده‌ای، جمله‌ای یا پاراگرافی برداشته می‌شود و به اجزایی تقسیم می‌گردد و به هر یک از ایده‌ها یا رخدادها، نام خاصی داده می‌شود و یا با برچسب یا نشانه‌ای از یک پدیده به جای آن می‌نشیند (طالب و همکاران،۱۳۹۰: ۱۲۲). پس از مشخص کردن مفاهیم اولیه در مرحله کدگذاری محوری، با شیوه جدیدی به یکدیگر می‌پیوندند تا پیوند یک مقوله و مقولات فرعی‌اش برقرار شود. در این مرحله قضایا شکل می‌گیرند که سومین عنصر نظریه بنیانی است. قضایا در برگیرنده روابط مفهومی‌اند و نشان از روابط تعمیم یافته بین مقوله‌ای مشخص و مفاهیم آن، یا رابطه بین مقوله‌های ناپیوسته دارند (استراس و کوربین،۱۳۸۷: ۶۵). شایان ذکر است که منطقه مورد مطالعه این پژوهش شامل ۲۱ روستای شهرستان رباط کریم می‌باشد. در ادامه آمار بکار گرفته شده این پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

جدول شماره(۱): شاخص‌ها و آمارهای بکارگرفته شده در پژوهش

نام روستا / شاخص‌ها		اصغرآباد	انجم اباد	ادران	آلارد	پرندک	پیغمبر	حسین ابادینگجه	حصار مهتر	حکیم اباد	ده حسن	سفیدار
نرخ رشد جمعیت	۶۵-۵۵	-۴,۲	۲,۳	-۰,۳	۴,۵	۰,۲	۳,۲	-۵,۶	-.۱,۱	-۹,۵	-۲,۵	۲۰,۶
	۷۵-۶۵	-۱,۱	۹,۵	۴,۲	۳,۹	۲,۴	۴,۸	-۱,۲	۱,۹	-۱,۵	۳,۹	۱۷,۶
	۸۵-۷۵	۹	۲,۸	۴,۴	۱۳,۱	۱۳,۸	۵,۳	۸,۰	۱,۸	۲۳,۹	۸,۳	۱۷,۱
	۹۰-۸۵	۶,۵	۰,۳	-۰,۱	۲,۱	۳,۲	۳,۸	-۱,۴	-۰,۱	-۷,۶	۰,۶	۲,۶
مجموع بهره‌برداران زراعی و باغی		۷,۳	۱۳,۸	۴,۷	۲,۱	۱,۰	۳۱,۴	۱۰۳,۸	۲۹,۲	۸۰,۶	۱۳,۳	۰,۳
مساحت کل اراضی		۰	۱۹۸	۱۶	۴۵	۹	۷۵	۱۸	۶۷	۵۰۷	۱۱۴	۰
مجموع بهره‌برداران دامی		۸,۱	۱,۹	۳,۳	۰,۴	۰,۶	۱۳,۳	۵۷,۷	۱۰,۴	۴۱,۷	۸,۲	۰,۴
بهره‌برداری‌های استفاده کننده از تجهیزات کشاورزی		۴	۳۰۳	۶۱	۸۶	۱۰	۱۸۲	۲۲	۱۰۳	۲۲۲	۴۸	۱۰

نام روستا / شاخص ها		شترخوار	شهرآباد ایلات	شهرستانک	علی اباد	کاظم اباد	کیگاور	منجیل اباد	نوده	وهن اباد	یقه
نرخ رشد جمعیت	۶۵-۵۵	۲,۲	۲,۲	-۳,۴	۱,۶	۱,۵	۰,۱	۱,۵	-۱۴,۴	-۱,۱	-۱,۱
	۷۵-۶۵	۳,۲	۲,۸	۲,۴	۳	۳,۴	۷	۳,۸	۱۲,۱	۴,۱	۸,۱
	۸۵-۷۵	۶,۸	۰,۴	۵,۹	۱,۸	۱۵,۲	۵,۳	۵,۷	۹,۱	۲,۸	۲
	۹۰-۸۵	۱۱,۷	-۶,۵	۱۱,۷	۴,۴	۰,۶	۰	۰,۵	۷,۴	۱,۶	۰,۳
مجموع بهره‌برداران زراعی و باغی		۳,۸	۳۵,۲	۳۶,۸	۳۵,۷	۷,۱	۰,۹	۳۲,۲	۳۲,۵	۳۲,۳	۳۹,۸
مساحت کل اراضی		۲۳۰	۱۹	۲۸۳	۲۰۲	۵۴	۰	۲۴۶	۳۳۳	۲۹۲	۹۴
مجموع بهره‌برداران دامی		۱,۶	۲۱,۶	۱۰,۵	۴,۹	۷,۱	۱	۸,۳	۱۱,۴	۷,۴	۸,۲
بهره‌برداری‌های استفاده کننده از تجهیزات کشاورزی		۵۸,۵	۵۷	۱۸۶	۳۳۷	۷۴	۲	۴۷۴	۱۴۳	۴۹۲	۷۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

۴) یافته‌های تحقیق

با بهره‌گیری از روش تصمیم‌گیری چندشاخصه پرومتی سعی شده تا فعالیت کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی نواحی روستایی تبیین و میزان گسترش کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه اولویت‌بندی گردد. نتایج حاصله از این روش در جدول ۲ قابل مشاهده است. روستاهایی که در رتبه‌های اول قرار دارند از نظر کشاورزی شرایط مطلوب‌تری داشته و به عبارتی کشاورزی در آن‌ها رواج بیشتری داشته است. از نظر فعالیت کشاورزی به عنوان یک شاخص روستاگرایی روستاهای حکیم آباد، شهرستانک و نوده بیشترین روستاگرایی و پرندک، کیگاور و سفیدار کمترین روستاگرایی را دارا هستند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

جدول شماره(۲): اولویت‌بندی توسعه کشاورزی در روستاهای مورد مطالعه

نام	حکیم اباد	شهر ستانک	نوده	حسین اباد ینگجه	وهن اباد	علی اباد	یقه	منجیل اباد	پیغمبر	شهرآباد ایلات	حصار مهتر
امتیازکل	۰,۸۶	۰,۶۴	۰,۵۶	۰,۳۸	۰,۳۸	۰,۳۶	۰,۳۴	۰,۳۰	۰,۲۰	۰,۱۸	۰,۱۴
جریان خروجی	۰,۹۳	۰,۸۲	۰,۷۸	۰,۶۹	۰,۶۹	۰,۶۸	۰,۶۶	۰,۶۵	۰,۶۰	۰,۵۹	۰,۵۷
جریان ورودی	۰,۰۷	۰,۱۸	۰,۲۲	۰,۳۱	۰,۳۱	۰,۳۲	۰,۳۲	۰,۳۵	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۴۳
رتبه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
نام	ده حسن	انجم اباد	کاظم اباد	شترخوار	اصغر آباد	ادران	آلارد	پرندک	کیگاور	سفیدار	
امتیازکل	-۰,۰۵	-۰,۱۰	-۰,۱۷	-۰,۲۶	-۰,۳	-۰,۴۲	-۰,۵۷	-۰,۷۵	-۰,۸۲	-۰,۸۸	
جریان خروجی	۰,۴۷	۰,۴۵	۰,۴۱	۰,۳۷	۰,۳۳	۰,۲۹	۰,۲۱	۰,۱۲	۰,۰۸	۰,۰۴	
جریان ورودی	۰,۵۲	۰,۵۵	۰,۵۸	۰,۶۳	۰,۶۵	۰,۷۱	۰,۷۸	۰,۸۷	۰,۹۰	۰,۹۲	
رتبه	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

پس از اولویت‌بندی روستاها از نظر کارکردی، با استفاده از روش خوشه‌بندی سلسله مراتبی نیز روستاها بر اساس شاخص‌های تعداد و نرخ رشد جمعیت و همچنین شاخص‌های کشاورزی دسته بندی شده‌اند[1]. نتایج حاصله در شکل ۴ نشان داده شده است.

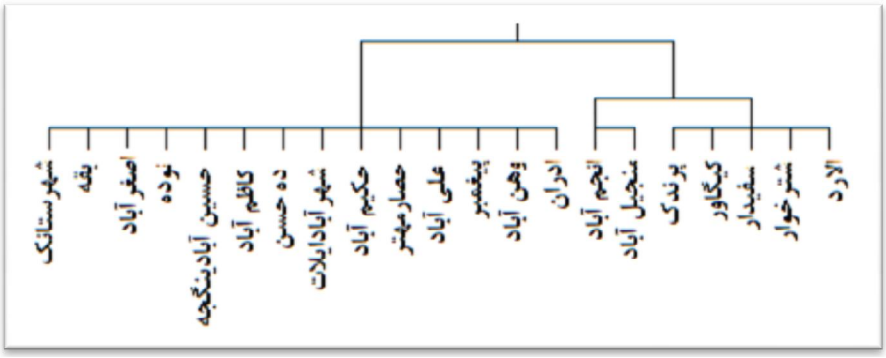

شکل شماره (۴): خوشه بندی روستاهای شهرستان رباط کریم

همان طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود، روستاهایی که از نظر فعالیت کشاورزی در رتبه‌های اول بوده‌اند و یا به عبارتی روستاگرایی بیشتری داشته‌اند، در یک خوشه و روستاهایی که گرایش کمتری به فعالیت‌های کشاورزی داشته‌اند، در خوشه‌ای جداگانه قرار گرفته‌اند. با نگاهی به جدول شماره ۴ می‌توان گفت که رشد جمعیت در روستاهایی که میزان روستاگرایی در آن‌ها کمتر بوده، روند رشد جمعیت مثبتی را پشت

[1] در این روش تعیین تعداد خوشه‌ها به‌صورت اتوماتیک انجام پذیرفته و محققان نقشی در مشخص کردن تعداد خوشه‌ها نداشته‌اند.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

سرگذاشته‌اند. حال برای تشخیص میزان تطابق نتایج به‌دست آمده با وضعیت موجود روستاهای مورد مطالعه از مشاهدات میدانی و همچنین مدل کلاک بهره‌گیری شده تا روستاهایی که به پدیده روستانشینی شهری گرایش بیشتری دارند، مشخص شود. مجموع امتیازات در این مدل از ۲۰+ تا ۲۰- میل می‌کند، سکونتگاه‌هایی که امتیاز مثبت بیشتری بیاورند، شهر و مواردی که امتیاز کمتری یا منفی بیشتری بگیرند، روستا هستند و مواردی که در مرکز این بازه قرار بگیرند، هر دو ویژگی سکونتگاه‌های روستایی و شهری را توأمان دارند. به عبارت دیگر، در این قسمت پدیده روستانشینی شهری مشاهده می‌شود. بر اساس امتیازات به‌دست آمده از این مدل در مشاهدات میدانی می‌توان گفت که پدیده روستانشینی شهری در روستاهای آلارد، پرندک، سفیدار، انجم آباد، شترخوار، کیگاور، منجیل‌آباد و ادران صورت گرفته است. این مسئله به‌صورت شماتیک در جدول ۳ نشان داده شده است. از بین ۲۱ سکونتگاه مورد مطالعه، ۱۳ مورد با درجه روستاگرایی بیشتری مواجه بوده و به عبارت دیگر، ماهیت روستایی خود را حفظ نموده‌اند. نتایج روش‌های بکارگرفته شده در مراحل قبل موید این مسئله است.

جدول شماره (۳): گونه‌شناسی روستاهای مورد مطالعه

نام	سفیدار	ده حسن	حکیم اباد	حصار مهتر	حسین ابادینگجه	پیغمبر	پرندک	انجم اباد	آلارد	اصغرآباد	ادران
روستا		*	*	*	*	*				*	
روستانشینی شهری	*						*	*	*		*
نام	یقه	وهن اباد	نوده	منجیل اباد	کیگاور	کاظم اباد	علی اباد	شهرستانک	شهرآباد ایلات	شترخوار	
روستا	*	*	*			*	*	*	*		
روستانشینی شهری				*	*					*	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

در هشت سکونتگاه منتخب از رهیافت کیفی نظریه بنیانی ساده شده یا شبه گراندد، به منظور بررسی علل شکل‌گیری و گسترش پدیده روستانشینی شهری بهره گرفته شد. پس از مراجعه به دهیاری‌ها و بیان موضوع پژوهش، با راهنمایی دهیاران و چند تن از اعضای شورا و افراد رابط محلی، به سراغ افراد با سابقه و کسانی که قدمت بیشتری از نظر سکونت در منطقه داشته و به نوعی بزرگ و ریش سفید محسوب می‌شدند، رفته و در نهایت با ۳۱ نفر در ارتباط با پدیده روستانشینی شهری مصاحبه شد (جدول ۴).

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

جدول شماره (۴): مقولات گسترده و خرده طبقات حاصل از مفاهیم هسته‌ای (کدگذاری محوری)

خرده طبقات	مقولات گسترده	خرده طبقات	مقولات گسترده
مطلوبیت زندگی در مقایسه با زادگاه و محل تولد	مطلوبیت در قیاس با گذشته	آشنایی مردم با ابزارها و فناور های نوین ارتباطی،	توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات
		دسترسی آسان به اینترنت و خدمات شبکه‌ای،	
مطلوبیت زندگی نسبت به شهرها و سکونتگاه‌های مجاور		بهره‌مندی از خدمات مراکز ارتباطات و اطلاعات	
داشتن منافع مشترک	وجود علایق مشترک و پیوندها	برخورداری از امکانات آموزشی –فرهنگی	امکانات و دسترسی‌ها
مهاجرت شبکه‌ای		برخورداری از امکانات بهداشتی –درمانی	
همبستگی و تجانس بالا		برخورداری از امکانات خدماتی – تجاری و بازرگانی	
احساس عزت و احترام		نداشتن حس تعلق و دلبستگی به محل زندگی	حس تعلق مکانی
نبود هزینه‌های خاص		از بین رفتن هویت تاریخی و اجتماعی فرهنگی روستا	
کسب و کار ارزان		بی هویتی و وجود تنش‌های قومی - فرهنگی	
نبود موانع فرهنگی		وجود زیرساخت‌های مناسب(آب، برق، گاز، تلفن)	توسعه کالبدی و زیرساختی
تنوع و فرصت‌های شغلی	توسعه اقتصادی	شکل گیری بافت‌های دوگانه در بخش ساخت و ساز	
وجود انواع رانت‌ها و ساختارهای سیاسی و اقتصادی		قیمت زمین و زمین خواری	
برخورداری مردم روستا از درآمد و پس اندازکافی		رجحان فضاهای برگزیده	
موجودیت نظام سرمایه داری(مرکز – پیرامون)		اجاره بها و یافتن موقعیت‌های مناسب اجاره	
پویش نظام و انباشت سرمایه		نبود نظارت مؤثر بر فرایند توسعه کالبدی روستا	
ساز و کار تبعیض آمیز فقرزایی		مهاجر پذیری	سرمایه اجتماعی
توزیع ناعادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد		شکل گیری شبکه‌های قومی و قبیله‌ای	
نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی		عدم مشارکت مردم در امور جمعی	
عدم توانایی جذب سرمایه‌های بیرونی به منظور افزایش فرصت‌های شغلی		مشارکت جمعی افراد خانواده در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت خانوار	
نبود اشتغال مکمل برای غلبه بر بیکاری فصلی کشاورزان		کم رنگ شدن همیاری و همکاری متقابل مردم و نداشتن مسئولیت اجتماعی	
عدم برخورداری از پتانسیل جذب نیروهای تحصیل‌کرده و سرمایه-های انسانی		نداشتن اعتماد به یکدیگر در روابط اجتماعی	
عدم بهره مندی مداوم از آموزش‌های شغلی و فنی و حرفه‌ای		دسترسی آسان به کلانشهر تهران و شهر رباط کریم	روابط تنگاتنگ با کلانشهر تهران
کشاورزی پیشرفته مبتنی بر دانش و تکنولوژی مناسب	افول کشاورزی	ارتقای وضعیت حمل و نقل عمومی و زیر ساخت های آن	
کمبود منابع و زمین حاصلخیز در حد کافی		عبور شریان های اصلی از منطقه	
عدم آگاهی مردم از ارزش های محیط زیست و حفاظت از آن		افزایش تعداد جرایم و ناهنجاری اجتماعی	بروز آسیب های اجتماعی
نبود سیستم بازاریابی مناسب محصولات کشاورزی		افزایش افراد معتاد به مواد مخدر و دسترسی آسان به مواد	
عدم برخورداری و بهره‌مندی از تعاونی تولید کشاورزی کارامد		شکل گیری خانه های فساد	
نبود سیستم انبارداری محصولات کشاورزی برای عرضه به هنگام به بازار		شکل گیری تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در زندگی	نوگرایی و تغییر سبک زندگی
عدم تنوع در تولید کشاورزی		تبلیغات رسانه‌ای و گسترش استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای	
نیازمندی به حمایت دولت و نهادهای دولتی از نظر اقتصادی	وابستگی دولتی	افول ارزش‌های دینی و نیازهای معنوی در زندگی روستاییان	
عدم شکل گیری خوشه‌ها و شبکه‌های صنعتی و اقتصادی		افزایش برخورداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی	
سیستم نامناسب انتخاب مدیران روستا	مدیریت روستایی	احساس برخورداری از احساس امنیت فردی و اجتماعی	
عدم توجه به تصمیم‌گیری جمعی و مشورت با ساکنین		احساس برخورداری از پوشاک و تغذیه سالم و کافی	
قانون گریزی مدیران روستایی		داشتن احساس امکان پیشرفت برابر برای مردان و زنان	
نبود مشروعیت و مقبولیت مردمی مدیران روستایی		تقلید کورکورانه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی	
عدم توجه به زمینه‌های اقتصادی در مدیریت روستا		آرزوی زندگی در محیط سالم و بهداشتی	
		آرزوی دستیابی به دانش و تحصیلات عمومی بالا	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

جدول شماره (۵): نمود مقولات در کدگذاری انتخابی

مقولات هسته‌ای	کالبدی - فضایی	اجتماعی - فرهنگی	قانونی، برنامه‌ریزی و نهادی	اقتصادی
مقولات گسترده	مطلوبیت در قیاس با گذشته	نوگرایی و تغییر سبک زندگی	وابستگی دولتی	توسعه اقتصادی
	وجود علایق مشترک و پیوندها	سرمایه اجتماعی	مدیریت و ساختارهای نهادی	افول کشاورزی
	روابط تنگاتنگ با کلانشهر تهران	بروز آسیب‌های اجتماعی		توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات
	حس تعلق مکانی			امکانات و دسترسی‌ها
	توسعه کالبدی و زیرساختی			

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

بر اساس آنچه که در جداول ۴ و ۵ نشان داده شده، ۷۱ مفهوم یا خرده طبقه اولیه از صحبت‌های جامعه مصاحبه‌شوندگان استخراج و پس از بررسی ارتباطات و همبستگی بین آن‌ها، ۱۴ مقوله گسترده تدوین شده است. در مرحله کدگذاری گزینشی نیز با توجه به قرابت مفهومی مقوله‌ها و چهار مقوله هسته‌ای کالبدی - فضایی، اجتماعی فرهنگی، قانونی، برنامه‌ریزی و نهادی و اقتصادی تعیین شده است.

۵) نتیجه‌گیری

رشد و گسترش کلانشهرها و متنوع شدن هر چه بیشتر جمعیت، مجموعه پیچیده‌ای از ناهماهنگی‌های فضایی در محل اشتغال، سکونت و حمل و نقل به وجود آمده و باعث افزایش تأثیرات نامطلوب بر تمام ابعاد زندگی ساکنان شهرها و روستاهای مستقر در حریم این کلانشهرها شده است. روند رشد شتابان کلانشهرها موجب جذب جمعیت روستاهای پیرامون شده است و از سوی دیگر، موجب انتقال بسیاری از خصوصیات و ویژگی‌های شهری به روستاهای پیرامونی شده است. این فرآیند سبب شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام روستانشینی شهری در پیرامون کلانشهرها شده که نه تعلق فضایی مشخصی دارد و از طرفی نه شهر به حساب می‌آید و نه ویژگی‌های ماهوی روستایی را دارد. این پدیده به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی- کالبدی با شهر از امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار می‌باشند که در دیگر روستاها به چنین شدتی وجود ندارد. شکل‌گیری این پدیده در حریم موجب شده است تا فرصت‌های شغلی، عمدتاً در بخش خدمات، زمینه تأمین درآمد و کار را برای ساکنین فراهم نماید. از سوی دیگر، نزدیکی به کلانشهرها و یا استقرار در حریم آن‌ها محدودیت‌ها و زیان‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی به دنبال داشته است؛ از یک سو ساختار معیشت تحت تأثیر همجواری با کلانشهر به تدریج تغییر ماهیت داده و در نتیجه ساخت اقتصادی تابع فرآیندهای اقتصادی شهر می‌شود؛ از طرفی، وجوه اجتماعی - فرهنگی ساکنین نیز با فاصله گرفتن از تحولات و پویایی اندام‌وار درونی، از جریانات و تحولات اجتماعی - فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر متأثر می‌شود که به دلیل سرعت و شدت اثرگذاری، نتیجه‌ای جز دگرگونی ساخت

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

اجتماعی – فرهنگی را ندارد؛ از بعد کالبدی نیز در پدیده روستانشینی شهری زمین‌های زراعی، ارزش تجاری یافته و بازار خرید و فروش زمین‌های زراعی و تبدیل آن‌ها به زمین‌های مسکونی، خدماتی و کارگاهی رونق می‌یابد.

در حال حاضر گسترش روزافزون روستانشینی شهری در حریم کلانشهر تهران نیز مشکلات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی – فرهنگی و فضایی – کالبدی عدیده‌ای به دنبال داشته که عدم شناخت ریشه و سرمنشأ اصلی آن موجب می‌گردد تا سایر نقاط روستایی نیز به این معضلات دچار شوند. در این راستا پژوهش حاضر جهت شناخت و تحلیل پدیده روستانشینی شهری و بررسی علل شکل‌گیری آن در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رباط کریم در ابتدا بر اساس مؤلفه فعالیت‌های کشاورزی که در اکثر مستندات به عنوان مشخصه ذاتی روستاها تلقی می‌گردد و همچنین کاربست روش تصمیم‌گیری چندمعیاره رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج بیانگر آن است که سکونتگاه‌های حکیم آباد، شهرستانک ، نوده و حسین‌آباد ینگجه از نظر مؤلفه کشاورزی در رتبه اول تا پنجم و سکونتگاه‌های ادران، آلارد، پرندک، کیگاور و سفیدار در رتبه‌های هفده تا بیست و یک قرار دارد. این مسئله بدین معناست که سکونتگاه‌هایی که رتبه بهتری دارد، روستاگرایی آن بیشتر است. خوشه‌بندی جمعیتی و فعالیتی این سکونتگاه‌ها نیز مبین این مسئله است؛ به عبارت دیگر، سکونتگاه‌هایی که از نظر کشاورزی شرایط مطلوب‌تری داشته‌اند، در یک خوشه و سایر سکونتگاه‌ها در خوشه دوم قرار گرفته‌اند. جهت تطابق نتایج آماری به‌دست آمده با وضعیت موجود منطقه از مدل کلاک بهره گرفته شده که نتایج آن بیانگر آن است که در روستاهای آلارد، شترخوار، سفیدار، کیگاور، پرندک، منجیل‌آباد، انجم‌آباد و ادران پدیده روستانشینی شهری شکل گرفته و سایر سکونتگاه‌ها تاکنون ویژگی‌های روستایی خود را حفظ نموده‌اند. در آخرین مرحله نیز با انجام ۳۱ مصاحبه از ساکنان با سابقه منطقه، به بررسی علل وقوع چنین پدیده‌ای در منطقه مورد مطالعه شده است. نتایج به‌دست آمده بیانگر آن است که ابعاد کالبدی – فضایی، اجتماعی – فرهنگی، قانونی، برنامه‌ریزی و نهادی و اقتصادی با مؤلفه‌هایی همچون مطلوبیت در قیاس با گذشته، نوگرایی و تغییر سبک زندگی، وابستگی دولتی، توسعه اقتصادی، وجود علایق مشترک و پیوندها، سرمایه اجتماعی، مدیریت و ساختارهای نهادی، افول کشاورزی، روابط تنگاتنگ با کلانشهر تهران، بروز آسیب‌های اجتماعی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، حس تعلق مکانی، امکانات و دسترسی‌ها، توسعه کالبدی و زیرساختی در شکل‌گیری پدیده روستانشینی تأثیر بسزایی داشته است.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

۶) منابع

- Ali Abadi, H. (2009), **capacity building of rural – urban according to organizing urban and rural settlements Classification: A Case Study: North Khorasan**, Journal of Housing and Rural Environment, No. 46(In Persian).
- Bogdanov N. and Z. Stojanovic (2006), "**The methodology of rural determination and identification of rural Serbia**", in: Agriculture and rural development of Serbia in transition period, DAES, Belgrade
- Brown, L., Cromartie J.B. (2004), **The Nature of Rurality in Postindustrial Society**. In Champion, T., Graeme, H. (eds.), New Forms of Urbanization: Beyond the Urban–Rural Dichotomy (pp. 269–283). Aldershot: Ashgate.
- Christopher B. and Ali Modares (2013), **City and Environment**, Translator: DR M. Tabibian, Tehran University, first edition, second printing. (In Persian)
- Cloke, P., Johnston, R. (2005), **Deconstructing human geography's binaries**. In Cloke, P., Johnston, R. (eds.), Spaces of Geographical Thought: Deconstructing Human Geography's Binaries (pp. 1–41). London: Sage Publications,
- Cloke, Paul, (1979), **Key Settlements in Rural Areas** Published by Methuen, London, ISBN 13: 9780416719109.
- Daneshpour Z. (2006) ,**Analysis of spatial inequalities in urban environments, attempts to use the approach to strategic planning and management in Tehran**, Journal of Honarhaie Ziba, No. 28. (In Persian)
- Faraji sabokbar, H., and et al (2010), **prioritizing the development of entrepreneurship in rural areas using PROMETHEE model**, research in human geography, No. 75, pp. 53-88(In Persian).
- Gulumser, A. H., Baycan, L. T., & Nijkamp, P. (2007,. **Mapping rurality: Analysis of rural structure in Turkey**. Joint Congress of the European Regional Science Association (47th Congress) and Association de Science Regional de Language Francaise (ASRDLF-44th Congress) on Local Governance and Sustainable Development August 29th– September 2nd, Paris, France.
- Hahs, A.K., McDonnell, M.J. (2006), **Selecting independent measures to quantify Melbourne's urban–rural gradient**. Landsc. Urban Plan., 78, 435–448.
- Halfacree, K. (1993), **Locality and social representation: Space, discourse, and alternative definitions of rural**. J. Rural Studies, 9(1), 23–37.
- Harrison, C. M., Burgess, J. (1994), **Social constructions of nature: a case study of conflicts over the development of Rainham marshes**. Transact. Instit. Brit. Geogr., 19, 291–310.
- Hugo, G., Champion, A., Lattes, A. (2003), **Towards a new conceptualization of settlements for demography**. Popul. Develop. Rev., 29(2), 277–297.
- Jomepour, Mahmoud (2005**), a systematic view of the village and Rural Development, Journal of Rural Development**, Vol. VIII, No. 1 (s 29). (In Persian)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

- Khorasani, Mohammad Amin (2012), **explaining livability villages surrounding the city with a quality of life approach** (case study city of Varamin) thesis Geography and Rural Planning Tehran University(In Persian).
- Kûle, Laila,. (2008), **Concepts of rurality and urbanity as analytical categories in multidimensional research**, proceeding of the Latvian academy of sciences. Section B, Vol. 62 No. 1/2 (654/655), pp. 9–17.
- Leon, Y. (2005), **Rural development in Europe: A research frontier for agricultural Economists**. European Review of Agricultural Economists, 32(3), 301–317.
- Marsden T (2010), **Mobilising the regional eco-economy: evolving webs of agri-food and rural development in the UK**, Cambridge Journal of Regions. Economy and Society 3: 225–244.
- McDonnell, M.J., Pickett, S.T.A. (1990), **Ecosystem structure and function along urban–rural gradients: An unexploited opportunity for ecology**. Ecology, 71(4), 1232–1237.
- Mountrakis, G., AvRuskin, G., & Bead, K. (2005), **Modeling rurality using spatial indictors:** Proceeding of the 8th International Conference on Geocomputation, University of Michigan, United States of America 31st July–3rd August.
- Pourtaheri, M. and R. Nemati (2012), **prioritization of rural development issues, with an emphasis on rural perspective** Case study: the central part of the city of Khorramabad, Journal of Economics space and Rural Development, Vol. I, No. 2, pp. 113-128 .(In Persian)
- Rafiean, M. (1996), **organized space with an emphasis on urban systems**, case studies, Isfahan, Phd Thesis, 1375, p. 5. (In Persian)
- Rezavani, M. and et al (2011), **measuring the degree of Rurality using fuzzy TOPSIS**, Journal of Rural Studies Volume 2, No. 5, pp. 1-31. (In Persian)
- Saidi, A. (2005), **Relations between urban and rural and rural-urban linkages (a conceptual study)**, Journal of Geography, Geographical Society's journal, Vol. I, pp. 73-91. (In Persian)
- Saidi, A. (2008), **relations between urban and rural**, urban and rural management board, Tehran(In Persian).
- Saidi, A. (2012), **Functional, Structural dynamics: an alternative approach to spatial planning**, Journal of Economics space and Rural Development,No.1,pp.1-18.(In Persian)
- **Shamsuddini, A., and et al (2011), geographic analysis of trends between rural - urban, case study: marvdasht city and surrounding villages**, Journal of spatial planning and Environment, No. 12, p. 80(In Persian).
- Simmons, C. S., Sorrensen, C., Walker, R. (2002), **urban rural linkages and environmental change**: Addressing the human dynamics of urban ecologies. Urban Ecosyst., 6, 5–8.

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]

- Theobald D.M. (2004), **Placing exurban land-use change in a human modification framework**. Frontiers Ecol. Environ., 2(3), 139–144.
- Tilt, J.H., Kearney, A.R. and Bradley, G., (2007), **Understanding rural character: cognitive and visual perceptions**. Landsc. Urban Plann. 81, 14-26.
- Van Der Ploeg J-D, Van Broekhuizen R, Brunori G, et al. (2008), **towards a framework for understanding regional rural development**. In: Van Der Ploeg J-D and Marsden T (eds) Unfolding Webs; The Dynamics of Regional Rural Development. Assen: Royal van Gorcum, pp.1–28.
- Wirth, L. (1938), **Urbanism as way of life**. Amer. J. Sociol., 44(1), 1–24.
- Wolfe, R. J., & Fischer, V. (2003), **Methods for rural/non-rural determinations for federal subsistence management in Alaska**. Summary report-analysis and recommended methodology. Alaska: U.S. Fish and Wildlife Service.
- Ziatavana M and et al (2010), **Urban Functions in Rural Development:** A Case study: Nurabad city and surrounding villages, Journal of Human Geography, Vol. 2, No. 3. (In Persian)

[Downloaded from ndea10.khu.ac.ir on 2026-10-09]